شعلهٔ جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره پنجم پنجشنبه ۱۲ ثور ۱۳۴۷ هـ - ۲ می ۶۸

تو در پیکار آزادی بجز زنجیر خود چیزی نخواهی داد
وخواهی برد .
جهانی را که مزد شست رنج بیکران تست .

تجلیل روز بین المللی کار

از آنجاکه کار انسانی در جوار شرایط ووسایل کار در جریان نعمات مادی رول خیلی بارز داشته وازآنجا که کار، فعالیت اجتماعی انسانهاست از سالیان دراز بدین سو درمحافل روشنفکری وحلقه های کارگری روز اول ماه می رابه نام روز بین‌المللی کار برگزار میسازند.

در سیر تاریخ رو می های عصر باستان در اول ماه می جشن بهاره را تجلیل می نمودند. در انگلستان رابرت اوون در سال ۱۸۳۲ اول ماه می را سر آغاز هزار ساله تعیین‌کرد در سالهای ۱۸۸۲ – ۱۸۸۳ و۱۸۸٤ این روز در ایالات متحده امریکا و کانادا باشور زایدالوصفی از جانب گروه پیشروهابدرقه گردید. درسال ۱۸۸۹ اولین کانگره بین‌المللی دوم ورهبر کبیر آن، منعقده پاریس این روز رابه نام روز بین‌المللی کار شناخت. ازآن زمان تاحال در حلقه های کارگری و روشنفکری اکثر از ممالك سرمایه داری‌هم‌این‌روزبرگزار میگردد .

در افغانستان این روز برای اولین بار درست در فرصتی استقبال شد که حلقه های روشنفکر پیشرو خواستند ضمن مظاهرهٔ ، عمال و خدام دستگاه جاسوسی «سیا» سی آی- ای را در کشور ما افشا نموده ودرباره قحطی وبیکاری روز افزون شعار بدهند. گرچه در آنزمان خوش‌خدمتان وکاسه‌لیسان‌ارتجاع‌در راه‌این‌مامول‌موانعی ایجاد کردند اما روشنفکرانیکه سر نوشت شان با رنجبران، نیمه رنجبران و دهقانان کشور ارتباط مستقیم‌وناگسستنی‌دارد نقاب را از چهرهٔ این خادمان ارتجاع بر انداختند .

ازآنجاکه کار فعالیت لازمی انسانها بوده ودرین جریان مواد طبیعی را برای رفع احتیاجات خویش بشکل مطلوب درمی آورند واز آنجاکه کار یك ضرورت اجتماعی بوده ویك‌شرط غیر قابل انکار حیات انسانهاست، بدون کار حیات انسانی به‌ذات خود نا ممکن خواهد بود .

بدینسبق دانسته شویم که در تحت نام شرایط کار چیز های داخل میگردد که کار انسان‌بالای آن‌صورت میگیرد. مثلا چوب جنگل ویا معدن‌در عمق زمین .

وسایل کار تمام اشیایی هستند که ذریعهٔ آنها انسانها بالای شرایط کار عمل میکنند. در جمله‌وسایل‌کار بشکل پیشرفته از همه اولتر ابزار تولید نام برده میشود. در جملهٔ افزار تولید تمام اشیائی که انسان در وقت کار از آن استفاده می کند قید میگردد یعنی از اولین سنگ ناتراش تا ماشین های کوه پیکر و خود کار امروز .

ازآنجاکه‌کار محصول‌نیروی عضلاتی دماغی، جسمی وعصبی کارگران است واز نجاکه کارنه تنها(در جوار منابع طبیعی) مایه ثروت است، بلکه در تغییر وتحول ارتقایی انسان هم رول خاص وبر جستهٔ دارد، لذا لازم است به نیروی‌ایجادگر رنجبران- نیمه رنجبران و دهقانانی توجه کنیم که جهان کار رارنگین‌ساخته وساحه طبیعت را تزئین می نمایند .

کارگران و دهقانان ملك ما دراثر عرق ریزی‌وکارخستگی ناپذیرخویش وادی ها، جلگه‌ها، باغ‌ها، ابنیه شاهراه ها، پلها، بند ها وغیره‌وغیره راسرسبز وآباد ساخته وخود شان باکمال رنج و مشقت روز وشب را سپری‌می سازند. این دو طبقه که بدون مبالغه همه چیز را دراثر کار خلاق خویش ایجاد میکنندو‌ر ازهمه چیززندگی نموده وفاقد همه‌چیزند. طوریکه دیده میشود کارگران معادن ذغال سنگ دردره صوف، آش پشته وکرکر باشرایط غیر صحی و قرون وسطائی مشغول کار بوده وتا حال چندین بار در راه تامین وسایل راحت دیگران بصورت‌کتلوی‌جانهای گرامی را از دست داده اند. کارگران کانهای لاجورد ویاقوت ولعل‌ودیگر سنگهای قیمتی همه به‌حال گرسنگی بسر برده ونیروی کار شان مورد دستبرد دیگران قرار گرفته وبطور قاچاق به خارج فرستاده میشود .

کارگران پروژه های شاهراه‌های بزرگ برای تسریع حمل ونقل مواد مطلوب (خام-نیم‌بند) امپریالیستهاو مدافعین استعمار نوین چه زحماتی‌را متقبل شده وبدون اینکه ملتفت خطرات محتمله باشند جانهای‌گرامی خود را فدای منفعت دیگران کردند. این کارگران‌فعلاازبیکاری وبی‌تکلیفی خویش در عذابند . کارگران‌فابریکه های‌گلبهار، پل خمری، فابریکهٔ شکر بغلان، فابریکه صنعتی قندز، فابریکه خانه سازی، کار خانه های منطقه صنعتی کابل، میدان هوائی کابل و قندز، پولی تخنیك وغیره وغیره در زیرکار طاقت فرساوشرایط‌نامساعد رنج‌زیاد را متحمل شده وخساره‌های بیش از حد را متقبل شده اند. مزد این کارگران خیلی قلیل است که نمی‌توانند بجز از بخور ونمیر دیگر حوایج ضروری‌زندگی شانرا مرفوع سازند. اگر در فابریکه پلخمری‌وضع کارگران را از نزدیك مورد مطالعه قرار دهیم‌علاوه از تحقیر واهانت بیشمار کارفرمایان شرایط‌ناگوارکار هم موجب خستگی- پیری و مرگ زودرس کارگران میگردد . (در ص ٤)

اساس ارزش چیست؟

اگر از دهقانی بپرسیم چراغله می کاری ویا اگر از جولای بپرسیم چرا کرباس می بافی در جواب می گویند ، برای اینکه انسانها برای رفع بعضی ازنیاز مندیهای خود به این چیزها احتیاج دارند ومن نیزبا استفاده مستقیم ومبادله آن قسمتی از نیاز مندیهای خودرارفع میسازم.

ازین جواب دیده میشود که‌در نظر اول درهر محصول کار این امر قابل اهمیت است که باید محصول مذکور قسمتی‌ازنیاز مندیهای‌بشری را رفع نماید . این خاصیت محصول کار را که باعث رفع یکی از نیازمندیهای بشری میگردد بنام ارزش استعمال آن محصول یاد میکنند .

مثلا ارزش استعمال گندم درینست که احتیاج غذایی بشررا رفع میکند، ارزش استعمال کرباس درینست که دررفع نیاز مندی پوشاك بشر مفید واقع میگردد .

اکنون اگر به جوابی که‌دهقان وجولا برای‌ما داده‌خوبتر توجه کنیم دیده میشود که‌غله وکرباس دارای خاصیت مهم دیگری نیز هستند ، یعنی چنانکه خود دهقان وجولاگفته اند میتوانند بامبادله آن‌کالای دیگر بدست آرند یعنی غله وکرباس با کالای دیگری مبادله می کردند .

اگربه تمام معاملاتی که‌بین‌دارندگان کالا های مختلف صورت می‌گیرد توجه کنیم «مثلا درمبادله گندم با کرباس» دیده‌میشودکه یك‌نوع‌ارزش استعمال به نوع دیگر آن مبادله میگردد . این قدرت یاتوانایی یك کالارا که‌دریك تناسب معین کمی «مثلا یك‌سیر گندم بادو مترکرباس» باکالای دیگر مبادله میشود ارزش مبادله کالای اولی «مثلا گندم» می نامند .

بنابرین‌ارزش مبادله«یاارزش»نخست ازهمه تناسبی است که‌در آن مقدار معین یك نوع ارزش استعمال بیك مقدار معین نوع دیگر ارزش‌استعمال مبادله میگردد «چنانکه یك سیر [illegible] دومتر کرباس» درنگاه اول این تناسب‌کمی که بوسیله‌آن کالاها مبادله میشوندا‌تفاقی وتصادفی بنظر میرسد ، اما درواقع هم آنها دریك زمان قابل ملاحظه‌ای تحت نوسانات واقع‌میگردند ولی‌در واقع این‌تغیرات در حوالی یك سطح و سطح معین نوسان میکنند .

اکنون ببینیم‌که‌چه چیزی تناسب کمی مبادله کالا ها راتعین میکنند .

هرکسی میداند که برای مقایسه دو چیز باید آنها دارای خصلت [illegible]ونیز باید این‌خصلت قابل اندازه گیری باشد طور مثال این سنگ دروزن‌مساوی به‌دوخریطه سمنت است .

دراین مقایسه‌سنگ وخریطه های سمنت خصلت مشترکی دارند و آن خصلت مشترك وزن آنها است .

این‌خصلت قابل‌اندازه گیری‌بوده وبعد ازتوزین این‌حکم راصادر می کنیم که سنگ بقدر دوخریطه‌سمنت وزن دارد .

اما وقتی میگوییم که‌یك سیرگندم بادومتر کرباس قابل مبادله است چنین معنی میدهد که این دوکالا نیز خصلت‌مشترکی‌دارند. اکنون‌جستجو می‌کنیم‌که کدام خاصیت مشترك این دوکالای مختلف را قابل مقایسه ساخته است .

این خاصیت نه وزن ، نه‌حجم‌ونه محکمی است زیرا گندم وکرباس دارای وزن ، حجم ودیگر خواص مختلف اند آیا این خاصیت مفیدیت این دوکالا است ؟ نه، زیرااستعمال آنها کاملا متفاوت می باشد . اما‌اگر خوب دقت کنیم دیده میشود که‌کالا های باارزش‌های استعمال کاملا مختلف تنهادارای‌یك‌خاصیت مشترك می‌باشند این‌خاصیت عبارت‌ازینست که همه از محصولات اجتماعاً لازم کار نمایندگی می کنند. این خاصیت که‌هردو «گندم وکرباس» بوسیله کار بشری تولید گردیده اند حقیقتاً خاصیت مشترك‌آنهارا تشکیل‌میدهد بر علاوه این خاصیت قابلیت اندازه شدن را دارد ، زیرا کار بوسیله مقدار زمانی‌که‌درتهیه‌کالای مشخص مصرف میشود، اندازه میگردد .

بنا برین مقدار کاریکه در تولید کالاها بمصرف میرسد، تناسب های راکه در آنها اشیا بیك دیگر مبادله میگردند ، تعین میکند .

کاریکه در تولید کالاها بمصرف میرسد ماخذ روابط مبادله را تشکیل میدهد واین امر با حقایق روشن ، تطابق دارد. مثلا اکثر کالا ها ییکه درگذشته قیمت‌گران داشتند «یعنی بامقدار زیاد کار تولید میشدند»بعد از تکامل و رشد تکنالوژی ازقیمت افتادند ، زیراتکامل تکنالوژی‌مقدار کاری راکه برای تولید آنها لازم‌بود کمتر ساخته است .

مطالعه اقتصاد مارا به‌این نتیجه میرساند که تازمانیکه مبادله بحیث یك پدیده بی اهمیت تلقی میگردید. محصولات درتناسبهای اتفاقی مبادله میگردیدند، اما زمانیکه‌مبادله وسعت پیدا نمود وضعیت تغیرخورد این تناسبهای مبادلوی اکثرآطوری بر قرار میگردند که درآن ، مبادله

درصفحه ٤

مبارزه سیاهان در آخرین تحلیل

مبارزهٔ طبقاتی است

دکتور هادی محمودی

چندی پیش، «مارتین لوتر کینگ» رهبر مقاومت منفی سیاهپوستان امریکایی، از طرف فاشیست های نژاد پرست امریکایی بقتل رسید. بدنبال این رویداد، موجی خشم و نفرت عمیق ودیرینه سیاهان امریکایی بشکل مبارزات آتشین وقهرمانانه علیه ظلم وبیداد گری امپریالیزم امریکا، سر تاسر ایالات متحده را فرا گرفت. دربیش از پنجاه شهر، سیاهان امریکایی، دست بمبارزات آتشین زده ودر برخی از شهرها بلاک های کامل عمارات را طعمه حریق ساختند. دولت ایالات متحده برای سر کوبی ایشان ناچار بفرستادن عساکر گارد ملی شده، پنجاه هزار عسکر مسلح مأمور فرونشاندن این مبارزات عادلانه شد.

«مارتین لوتر کینگ» رهبرمقاومت منفی سیاهپوستان، طرفدار شیوه مبارزه مسالمت آمیز وعدم توسل بزور» یعنی مبارزه منفی دربرابرظلم وخود سری امپریالیستی بر سیاهپوستان بود، وی سعی مینمود تاسیاهپوستان رااز توسل بمبارزات عادلانه و مؤثر علیه ظلم وبیداد گری امپریالیزم امریکا، مانع گردد، ولی حقایق نشان داد، این خود امپریالیست های امریکایی‌اند که مبارزات آتشین وعادلانه سیاهان رادر دستورروزقرارمیدهند ونخست دست به خونریزی میزنند. «مارتین لوتر کینگ» مبلغ سیاست «عدم تشدد» قربانی تشددوزور گویی امپریالیستی شد.

چرا سیاهان برضد امپریالیست های امریکایی دست بمبارزه زده‌اند؟ ماهیت مبارزات سیاهان علیه امپریالیزم امریکا چگونه است؟ آیا این مبارزات محض جنبه «نژادی» دارد ویا اینکه‌دارای خصلت طبقاتی‌است؟

در اوایل قرن هفدهم، زمانیکه ایالات متحده امروزی مستعمره انگلستان بود، در سال ۱۶۱۹ برای نخستین بار، بازرگانان هلندی بیست نفر سیاهپوست افریقایی را بعنوان غلام به مستعمره مذکور فروختند. ازآن تاریخ ببعد تانیمه اول قرن نزدهم تجارت غلامان سیاهپوست افریقایی در امریکایکی از پردر آمدترین رشته های تجارتی دنیای جدیدبشمار می‌آمد. بازرگانان انگلیسی، هالندی وآسپانیایی کشتی های خودرا ازمشروبات الکلی ارزان قیمت پرکرده بسواحل افریقامیرفتند وبار خویشرا با سیاهان که طوایف فاتح افریقایی اسیر نموده وبرای فروش بساحل آورده بودند معاوضه می کردند در مستعمرات برتانیا در امریکای شمالی ۲۳۰۰۰ غلام سیاهپوست وجود داشت چند سال بعداز این تاریخ درسال ۱۷۹۳ ماشین حلاجی وپاک کردن پنبه درامریکا اختراع شد. این‌رویداد سبب‌ترویج بیسابقه کشت وزرع پنبه درایالات متحده وصدور آن به کشور های صنعتی اروپا مخصوصا انگلستان گردید. برای کشت پنبه، استفاده ازغلامان سیاهپوست بسیار مناسب بود، زیرا درتمام طول سال میشد آن هارا بکار توان فرسای بدون مزد واداشت، این بودکه تعداد غلامان سیاهپوست بسرعت رو به افزایش نهاد واز ۶۹۸۰۰۰ درسال ۱۷۹۰ به چهار ملیون نفر درسال ۱۸۶۰ رسید. به تناسب افزایش احتیاج بغلامان سیاهپوست قیمت آن هانیز در امریکا فزونی میبافت، در اوایل قرن هفدهم قیمت يك غلام سیاهپوست در امریکا ۳۰۰ دالربود سپس به ۸۰۰ دلار رسید. ودرحدود سال ۱۸۶۰ به ۲۰۰۰ دلار بالارفت تعداد بیشتر سیاهان افریقایی در ایالات جنوبی امریکا، سکونت داشتند، علت‌این‌بودکه ایالات‌جنوبی امریکا، مخصوصا ویرجنیا وکارولینای جنوبی مناطق زراعتی بوده ومخصوصا کشت پنبه وتنباکوورواج بیشتر داشت. غلامان سیاهپوست برای ملاکین جنوبی نه فقط سرمایه گرانبهای بلکه از عوامل لازمه تولید ثروت بشمار میرفتند.

در برخی از ایالات جنوبی در قرن نزدهم، حتی تعداد سیاهان بیشتر از سفید ها بود. در قرن هژدهم، در ایالات جنوبی دو هزار خانوار ملاك درجه اول، هر یك بیش از یکصد غلام سیاهپوست داشتند. ملاکین درجه دوم که مجموعاً ۲۰۰ هزار خانوار میشدند، هر یك از ۲۰ تا یکصد غلام سیاهپوست داشتند. وضع زندگی این غلامان فوق العاده رقت بار واسف انگیز بود. استفاده از شلاق چرمی معمول بود، فقط اگر مالك خشمگین ویا عصبانی میشد، غلام سیاهپوست را بشلاق‌می‌بست يك غلام سیاهپوست متهم، حق‌دفاع از خود رانداشت، لباسشان ژنده وکلبه هایشان کثیف بود، اگرزن سیاهی از طرف مالك خود مورد تجاوز قرار می گرفت ووی از خود دفاع میکرد، بعنوان این «جرم» بیشتر مورد شکنجه وعذاب قرار میگرفت، مالکین، سیاهان را لخت کرده ومانند حیوانات اعضای بدن ودندانهایشانرا قبل ازخریدن‌معاینه میکردند. در سال ۱۸۰۸ ورود غلام قانوناً در امریکا ممنوع شد، ولی با وجود آن بازرگانان انگلیسی وامریکائی به تجارت برده در امریکا ادامه میدادند وعلاوه‌برآن ملاکین در ایالت ویرجینیا به «پرورش و تکثیر» سیاهپوستان پرداخته‌وآنرا به ایالات دیگر «صادر» میکردند.

سیاهان از همان آغاز ورود به امریکا علیه ظلم وبردگی بمبارزه بر خاستند. در سال ۱۷۱۲ سیاهان بردهٔ شهر نیو یارك علیه بیدادگری وظلم بردگی دست بقیام زدند، ولی پیش از انجام قیام سرکوب شدند در سال ۱۸۲۰ سیاهان در ایالت ویرجینیا شورش کردند.

در حال حاضر سیاهپوستان امریکا تقریباً ۲۰ ملیون نفر اند. آنها به پست ترین وپر مشقت ترین کار ها مصروف ودر معرض اسارت وستم وتبعیض قرار دارند. مزد آن هایك دوم وحتی‌یك‌سوم مزدسایرین بوده و بزرگترین فیصدی بیکاران را سیاهپوستان تشکیل میدهند. در بسیاری ایالات، مخصوصا در ایالات جنوبی سیاهان نمیتوانند باسایرین در يك مکتب درس بخوانند، در يك رستوران غذا صرف کنند، در يك سرویس سوار شوند. امپریالیست های ایالات متحده جمعیت های فاشیستی نژاد پرست تشکیل‌داده اند که لجام گسیخته سیاهپوستان را تعقیب نموده، شکنجه داده و بقتل می رسانند.

در اثر این چنین ستم ها واهانت ها است که سیاهپوستان مجبور بمقاومت ومبارزه گردیده‌اند. طی سال های اخیر مبارزات توده ای سیاهپوستان بخاطر آزادی‌پیشرفت های بزرگی نموده است. در سال ۱۹۵۷ سیاهپوستان شهر«لیتل‌روك» در ایالت «ارکانساس» علیه‌ممانعت از ورود کودکانشان بمکاتب‌بمبارزه برخاستند، مقامات حکومتی برای سرکوبی آنها به نیروی نظامی متوسل گردیده وحوادث خونین وفجیع راروی کار آوردند. درسال ۱۹۶۰ دربیش‌از۲۵ ایالت‌سیاهپوستان برضد ممانعت از ورود سیاهان در رستوران ها ومغازه ها تظاهرات بزرگی بر پا کردند. در سال ۱۹۶۱ سیاهپوستان برضد ممانعت از مسافرت سیاهان درقطارهای سفید هادست‌بمبارزه زدند. در سال ۱۹۶۲ سیاهپوستان درایالت «مسی‌سیپی» بخاطر ورود محصلین شان درمدارس عالی بمبارزه پرداختند که از طرف حکومت محلی با خونریزی سرکوب شد. در سال ۱۹۶۳ در شهر «برمینگهام» در ایالت «الاباما» سیاهان علیه تبعیضات نژادی‌دست بمظاهرات ومتینگ های وسیع زدند که به توقیف های‌دامنه دار ووحشیانه ای از جانب حکومت ایالتی منجر گردید. درهمین سال رهبر سیاهپوستان بنام «مدگاراوس» در ایالت «مسی سیپی» بیرحمانه بقتل رسید. این عمل سبب‌جوشش کین‌ونفرت سیاهان گردیده‌وباجرات وقاطعیت بیشتری‌بمبارزه برخاستند در۲۸ اگست همین سال راه پیمائی ۲۵۰ هزار نفری بسوی واشنگتن تشکیل گردید.

طی سه، چهار سال اخیرمبارزات سیاهپوستان بازهم بیشتر قاطع و موثر شده وبه نحو روز افزون با مبارزات زحمتکشان امریکاومبارزات خلق های محکوم آسیا، افریقا و امریکای لاتین پیوند یافته است. در سال ۱۹۶۷ مبارزات سیاهپوستان تقریباً سرتاسر ایالات [illegible] را بشمول شهر واشنگتن فرا...

(درص۳)

د. دکار گرس

بزگرته خطاب

بزگره تاته وایم ستا خواری‌ترخو
دابیگاری تر شو

ته کوی کار مدام په تودو دشتوباندی
ته کوی خمکی او بو په نیموشپوباندی
ته وږی پیټی دغم تل په ورو باندی
آخر به خان ور کوی په دی آرزوباندی

بزگره تاته وایم ستا خواری‌ترخو
دابیگاری تر شو

یوی‌خوانشته‌وږدی‌بل خوا کوچنیان‌ژاړی
ستا دحال دپاره زړه دانسان‌ژاړی
ستا دغم او خواری خمکی‌آسمان‌ژاړی
دغریبان دپاره واړه خوانان‌ژاړی

بزگره تاته وایم ستا خواری‌ترخو
دابیگاری تر شو

ستا د متو له زور وخکی شراب‌خانان
په شکلو تورو تیرودی جوړوی‌تعمیران
وړی ښکلو انجونوخان سره سیلد پغمان
دوج دودی پسی ته خان ورکوی‌په ارمان

بزگره تاته وایم ستا خواری‌ترخو
دابیگاری تر شو

راځی چه مو ړاوتاسی‌عهد وپیمان‌جوړی کړو
په اتحاد او گـــون نوی جهان‌جوړی کړو
دغه نری قیا مت په د ښمنان‌جوړی کړو
ستره بنه غښتلی افغانستان‌جوړی کړو

بزگره تاته وایم ستا خواری‌ترخو
دابیگاری تر شو

مبارزه سیاهان در آخرین

آن‌ها باشدت در برابر زور و جبر غیر عادلانه، زور وجبر عادلانه‌بکار برده ومشت را بامشت پا سخ‌دادند. به تناسب اوج گیری مبارزات‌عادلانهٔ سیاهان، سیمای پلید امپریا لیست های امریکائی که بانقاب به‌اصطلاح «آزادی، برابری وبرادری» پوشیده شده بود، چون دژ خمان دد صفت فاشیست بر همگان آشکار میشود. خلق های زحمتکش جهان بیش از پیش به این حقیقت پی‌می‌برند‌که: «**سیستم لعنتی استعمار وامپریالیزم که بااسارت وخرید و فروش سیاه پوستان رشد کرد مسلماً با آزادی نهائی سیاهپوستان به‌پایان خواهد رسید**» .

حقایق نشان میدهد که مبا رزهٔ سیاهپوستان علیه ظلم وبیداد گری شکل نژادی نداشته، بلکه ازهمان آغاز ورود سیاهپوستان به امر یکا دارای ماهیت طبقاتی وعلیه استثمار وبردگی بوده است. زحـمتکشان امریکائی بـطور روز افزون ا یـن واقعیت رادرك نموده واز مبارزات سیاهان علیه امپر یالیزم وتبعیض پشتیبانی مینمایند. اخیراً محصلین امـریکائی بـطرفداری از مبارزات سیاهان دست‌به اعتصاب زدنـد و همچنان کارگران امریکائی‌بطرفداری از برادران همزنجیر سیاه خو یش مظاهرات واعتصابات بزرگی بر پا داشتند. مبارزهٔ سیا هپوستان د ر امریکا علیه امپـریالیزم وتبعیض، بیان فشردهٔ ستم واستثمار طبقاتی درقالب ملی میباشد. از آنجا ئیکه سیاهان محرومترین بخش کارگران امریکائی را تشکیل میدهند،مبارزات آن‌ها در مقدمترین صف مبا رزات طبقه کارگر امریکا قرار داشته‌ومورد پشتیبانی روز افزون طبقهٔ کار گـر وتوده های وسیع مردم امریکا واقع میشود. مقامات حاکمه امپریالیستی امریکا ازیکسو به سرکوب خو نین ووحشیانه مبارزات عادلانه سیاهان بخاطر آزادی ورهائی ازستم مـلی دست می زنند واز سوی دیگر برای فریب دادن اذهان مردم به اصطلاح لایحه های حقوق مدنی سیاهان را در کنگره ملی به تصویب میرسانند تابدین ترتیب درارادهٔ پیکار جو ی وراسخ سیاهان رزمنده سستی‌ایجاد کنند. ولی جوانان رزمـجوی سیاه پوست امریکائی بطور روز افزو ن کذب اینگونه‌نیرنگ‌های عوامفریبانه امپریالیست های امـریکایی را در یافته وبیشی از پیش به‌این اصـل معتقد میگردند که آزادی ایشان‌فقط ازراه مبارزه بی‌امان وبی گیر برضد امپریالیست های حاکمه‌تحقق‌میبابد وبس .

درحال حاضرمبارزات دموکراتیك ونجات‌بخش خلق های آسیا،افریقا وامریکای لاتین که درراس آن‌مبارزه قهرمانانهٔ خلق ویتنام قرار دا رد، از خارج، ومبا رزات ز حمتکشا ن امریکا بخاطر کسب حقوق سیاسی واجتماعی که در مرکز آن مبارزات سیاهان بی‌بهره ازحقوق انسا نی قرار دارد، از داخـل، ضربات‌خورد کنندهٔ بر‌پیکر دشمن مشترك خلق‌ها (امپریالیزم‌امریکا)واردآورده‌وبسوی آیـنده ظفر نمون گـام برمیدارد! پیکر ناتوان وگندیدهٔ این‌غول پای گلین، دربرابر ایندو سیل خروشان ونیرو مند مسلماً فرو خواهدریخت!

۴۰۴

گرداب مرگبار

در طول مراحل مختلفه زندگـی بشر ، هزاران انسان متفکر برا ی بهبود زندگی بشر هر نوع وسایل را ایجاد کرده اند. تاتوده‌بتواند از آن‌بطور دسته جمعی‌استفاده‌کند. اما يك عده انسان های مرتجع و مفت خوار به زور تازیانـه و استبداد ، جهت بره کشی و استفاده نا مشروع طبقاتی خود آنرا بکار انـداختنـد بیشرمانه وغیر عادلانه حق مسلم مردم را به جیب می زنند واستثمار شان میکنند مرتجعین برای‌رنجبران زندگی را از تلاطم امواج خشمگیـن وهلاکت بار دریا رنج آور تـر وپر اضطراب تر ساخته اند .

مامی‌توانیم این دردها را تسکین دهیم بشرطی که در تجسس علت آن بر آئیـم با هـمه « رنجبرا ن» متحد شویم ،واعتماد بنفس پـیـدا کنیم .

شرایط عینی اجتماع اندیشه‌های نوین ومترقی را در جهت رهایی‌توده ها از قید اسارت استبداد بـمیان آورد وصد ها وهزاران انسا ن پاك شرافتمند ، صدیق وطن پرست بـا قربان کردن خویش این تئور ی را تکامل دادند وبر گنجینهٔ اندیشـه پیشرو افزودند وآنرا با عمل‌پیشرو آمیختند .

وقتی کـار گـران با شعـور از حقیقت زندگی باخبر شدند ، برای رهائی خویش دست‌بمبارزه می‌زنندو فریاد می کشند که چرا این زندگی زیبا رابرما گرداب مر گبار ساختـه اید؟ نیروی کار ما را مقابل يك‌مقدار پول ناچیزیکه در بدل ساعت هـا کار طاقت فرسا می دهید غـصـب می کنید وحق ما را جابرانه به تاراج می برید .

ما باید جهت احقاق حقوق خـود مبارزه‌کنیم واز دست شما انسا ن های دیو صفت نجات یابیم و دنیا ی نوینی بیافرینیم .

تـا گفتـه نگذریم ای صبا حیان قدرت !

اعلام میداریم که اگر امروز شما زندگی را بر ما گـرداب مر گـبار ساخته اید ، روزی فـرا خـواهـد رسید که مـاهم مقابل شما ترحـم نخواهیم کرد . ما پیروز می شویم پیروزی ما نا گزیر است .

بیاد بود نخستین روز ماه می

«مضطرب» باختری

پرواز شاهین

تو ای فرزند رنج، ای کارگر، ای‌اختر رو شن
گنا هت‌چیست‌درپهنای این‌وادی‌دردانگیز
مگر موج وجودت رانباشد قدرت‌توفان ؟
به‌پا برخیزو بااهریمن افسردگی‌بستیز

• • •

تلاش گو هرهستی‌مکن دره‌ساحل‌آرام،
که این ننگ‌است ننگ پنجهٔ زور آز مای تو
تو موجی، موج رابیمی نباشد ازدل گرداب
چسان دربند افسون کهن بستند پای تو؟

• • •

چرا در کورهٔ بیداد ایـن مشتـی‌ستمگستر
روان‌خویشتن سوزی وشمع غیر افروزی
طلسم شوم این دون همتان‌ددمنش‌بشکن
که این‌بدگوهران‌رانیست سیری‌اززراندوزی

• • •

خروشان موج رزم انگیز شو برخصم‌آتش زن
بصد رزمندگی پیکار خو نیـن را مهـیا شو
مبا دافسردگی‌روح تراازخنجربیداد
طلوع‌مهر عالمتاب(زحمت) راپذیرا شو

• • •

توشاهینی، قفس‌بشکن، به‌پروازآ و مستی کن
که‌بـرآزادگان داغ اسارت‌سخت ننگین‌است
مگر ای کارگر، ای پور رنج آخرنمیدانی
تلاش زندگی‌در کار زار مرگ شیریـن است

چگونه باید سنجید که يك جوان‌پیشرو است ؟ با کدام معیار بایـد آنرا اندازه گرفت ؟ تنها یـك معیارمیتواندوجودداشته باشدوآن اینست که آیا این جوان مایل است با توده‌های وسیع کار گران ودهقانان در آمیزد وآیا بدان عمل میکند یا نه ؟چنانچه او مایل به درآمیختن‌باتوده های وسیع کار گران ودهـقا نـان‌باشد وواقعاً نیز بدان عمل کند ، آنگاه فردي پیشرو است والا فردی‌عادی ویا مرتجع است اگر او امروز با توده های کار گران ودهقانان درآمیزد او را امروز میتـوان فـردی پیشرو نامید ، ولی چنانچه او فرداز آنان ببرد وحتی بر مردم ساده ستم کند ، آن وقت فردی عادی ویامرتجع خواهد شد .

نامه‌ازرنجبران

ما کار گران محروم از همه چیز فابریکه جنگلك از مدت ها به این طرف يك سلسله خـوا ست ها ی معقول و مشروع خـو یش را بـه کار فر ما یان فابریکه ارائه نمو دیم به‌جز وعده های دروغ ومیان تهی چیزی نصیب ما نگردیدو کارفرما یان محیل همیش دربی فریب وزیا بو ده وبه خوا ستهای ما اصلا ارزشی‌قایل نیستند وما به تجربه در یا فتیم نه کسی حاضر نمیشود که به گر یه و زاری و شکل مسالمت آمیز حقو ق مشروع مارا بدهد روی ایـن منظور بروز یکشنبه هشت ثوربعدازچندین وقت صبر وتحمل خواستهای‌خویش راکه عبارت از کوپون‌وافزودی‌معاش وسایل حمل ونقل و مفاد ذخیره و غیره بود و با قانون کار گری‌تطابق داشت به کار فر ما یان فا بر یکـه ارائه نمودیم که اصلا به آن اعتنایی نکردند. این خود سری وبی با کی گستاخانه را کار گران تحمل نکرده دست با عتصاب متشکل زدند کـه فوری از طرف پو لیس وژانـدارم سر کوب گردید. بعداً کار فر ما یان فابریکه باز نغمهٔ عـوام فر یبا نـه سابق خویش راکه و عده هـای پوچ ومیان تهی است تکرار نمودند.

ماز کار کنان جریده ملی«شعله جاوید» که یگانه مظهر آمال و آرزوی کـارگران است تمنا داریم تـا این صدای ما را که در واقع سا زندگان تاریخ وتمدن بشری هستیم انعکاس دهند تا تمام کار گران افغا نستان بدانند که از راه مسالمت آمیزگریه وزاری نمی توان حقوق و خوا ست های مشروع خویش را بکف آ ورد جز از طریق مبارزه پیگیر و مداوم.

جاوید باد مـبارزات پیگیـرانـه سازندگان جهان‌نو

محل امضاء يك عده کارگران

خبر

خبر نگار ما گزارش مید هد که بروز یکشنبه اول ثور هفده تن ازکارگران فابریکهٔ سمنت غوری به‌اثر پافشاری در راه‌احقاق حقوق پامال شدهٔ‌خویش از کار بر کنار ساخته شده‌اند.

شعلهٔ جاوید این روش بیدادگرانه راشدیداً نکوهش میکند وبه‌کارگران پیشرو وبااحساس یاد دهانی‌مینماید که‌ازراه وحدت و همبستگی نگذارند که زندگانی همر زمان آنهادستخوش هوسهای پلید و نابکار زور مند ان وزور گویان شود.

(از ص اول)

تجلیل روز بین المللی...

در قطار کارگران اطفال خوردسال زنان رنجور و مردان. کهن سال هم وجود دارند که همه بانیر وی کار خویش به‌ثروت سر مایه داران تزئید می بخشند. اینها بدو گروپ در دو نوبت ١٢ ساعته محکوم به کارند و هردو گروپ از شعاع آفتاب جهانتاب محروم اند. بنام. بیمه صحی وجود دارد که بیشتر ازآن‌مامورین عالیرتبه استفاده میکنند، بیمه اجتماعی که اصلا وجود ندارد. امراض مختلف‌در بین کارگران شایع است .

مزدیکه به‌کارگران پرداخته‌میشود در حقیقت قسمتی از نیروی کار مصرف شده شانرا جبیره می کند وقسمت دیگر آن به نفع صاحبان فابریکه به یغما برده میشود .

کارگران ماباید بدین امر ملتفت گردند که بافروش نیروی کارخویش نمی‌توانند قیمت حقیقی متاع‌خویش رابدست آرند. یعنی در بدل کاریکه انجام مید هند مزد واقعی وحقیقی را به کف نمی‌آورند. روشن است که در شیوه تولید سرمایه داری نیروی کار هم ارزشی دارد که مانند سایر کالاها به فروش‌میرسد.ارزش نیروی کارکه به پول تعویض میگردد قیمت آنرا مجسم ساخته وبشکل مزد جلوه میکند. اکثراً ثروت بدست آ مدهٔ صاحبان‌فابریکه های عریض‌وطویل‌از سبب نه پرداختن مزد اصلی کارگران بوده وهر قدر افزار تولید(ماشین آلات) تکامل میکنند به همان اندا زه نیروی کار کارگران(مزد) موردتاخت وتاز سر مایه دار قرار میگیرد. نباید فرا موش کرد که اساس طرز تولید سرمایه‌داری بر دزدی نیروهای کار کارگران استوار است. میدانیم که وسایل کار هر قدرمتکامل و مغلق شوند بدون نیروی‌کارچیزی رابمیان آورده نمی توانند. برای اینکه‌جریان تولید نعمات مادی سر براه گردد باید نیروی کار باوسایل کار یکجا شود .

ازینجا معلوم میگردد که سرمایه دار در عصر کنونی با ماشین آلات مغلق بصورت خیلی ماهرانه ازنیروی کار ایجاد گر کار گران بر ثروت و قدرت خود می افزاید .

بهر حال رنجبران‌ـ نیمه رنجبران ودهقانان در حال حاضر در تحت شرایط ناگوار ونا مسا عدی زندگی میکنند‌که‌جزازفاقگی، برهنگی، دربدری پیری قبل از وقت مرگ زود رس حاصل دیگر بدست نمی آرند و در مقابل به یمن همت خویش وسایل راحت وعیش وطرب ستمکاران را مهیا می سازند .

ازین فرصت نیك استفاده کرده بتقریب روزبین‌المللی کارکار گران مبارز رابه نکات مهم حیاتی متوجه میسازم :ـ

مصالح کار ایجاب میکند که بین رنجبران کشور های مختلف‌درممالك مختلف دوستی، اعتماد و محکمترین اتحاد وجودداشته باشد، چه‌هواداران ملاکین وسر مایه داران سعی دارند کارگران‌راز هم جدا کنند ونفاق و خصومت ملی راتشدید سازند، تا کارگران‌را ناتوان ساخته وقدرت سر مایه را تحکیم نمایند .

از آنجاکه سر مایه نیروی‌بین‌المللی است، برای‌غلبه‌بران اتحادبین‌المللی کارگران وبرادر ی بین‌المللی آنها لازم است .

رنجبران نباید فرا موش نمایند که سرمایه داری جهان را به مشت ناچیزی امپریالیست های ملل‌ستمگر وعظمت طلب وکامل الحقوق و ممتاز واکثریت‌عظیمی‌ملل ستمکش‌ووابسته ونیمه‌وابسته‌ودارای حقوق‌غیرمساوی تقسیم کرده است .

باید به خاطر داشته باشیم که در حال حاضر صدها هزار کار گر، دهقان ونیمه رنجبران در بدر، گرسنه وبر هنه در ملاء عام ته وبالامیدوزند.

آزادی برای کارگران و دهقانان حکم توتیا را دارد .

برای بدست آوردن آزادی وحفظ آزادی حقیقی کارگران‌ـ نیمه‌رنجبران ودهقانان بدین نکات توجه نمایند:

ای کارگرانیکه درین فرصت در زندان کارتوان فرسا وزند گی نیمه گرسنه وفقر شدید محکومید علاج آینده بیم ناك اولاد خود را نمائید. مبارزهٔ پی گیر و مداوم کنید، چه در راه مبارزه بجز از زنجیر های‌اسارت چیز دیگری را از دست نخواهیدداد ودر بدل‌آن‌جهانی‌راکه خودساخته‌اید بدست خواهید آورد.

باید ملتفت شد که این تبدیل‌کار بنده وار به کار برای خود، که بزرگترین تعویض کار برای بشر است بدون تصادم واعمال جبرنسبت به مفتخوران سخت ریشه وآستان بوسانشان صورت گرفته نمی تواند.

کارگران و دهقانان‌تهیدست‌ونیمه رنجبران که در اثر کار مشقت بار سالیان دراز برای استثمار گران وتحمل تحقیرها وهتاکی های‌بیشمار از طرف آنان واحتیاج شدید آبدیده شدیده اید میدانید که برای در هم شکستن مقاومت استثمار گران‌تدبیر لازم است .

کارگران توانا این مو ضوع را فراموش نکنید که شمابه نیروی دانش نیاز مندی بیش از حددارید، چه باکمك دانش خوا هید توانست سر مایه دارانی که‌بنفع شان‌باغارتگری حکمرانی‌ـ وباحکمرانی غارتگری‌است دیگر گون سازید .

باید به خاطر بسپارید که هدف توده های کارگر و دهقانان ونیمه رنجبر از دگر گوني عمیق سیاسی تامین آزادی، نان، مسکن‌وزمین‌است.

افتخار جاویدان‌بر کسانیکه اکنون ملیونها زحمتکش را بدنبال خود می برند وبانهایت‌اشتیاق درنخستین صفوف در فش کار گام‌بز میدارند.

«پایان»

زموږ او سني اقتصاد چه دولتي

سکتور په نامه یادیږی

له دی کبله چه زموږ د جا معی په او سنی حا لا تو کی پخپله دو لت لوی اقتصا دی قوت دی نو کولا ی شو چه د دو لتی اقتصاد په تحلیل سره خپل دمیواد او سنی اقتصادی حالت په ښه توګه و پیژنو . ددولت عا یداتی منابع د دوم پنځه کلن پلان په جریان کی داسی ور :

کال ١٣٣٤٠ ١٣٤٤

وار دا تی محصو لات

٧٨٧ ١١٣٠ ملیون افغا نی

ددولتی تشبثاتو منافع

٢٩٧ ٦١٣ ملیون افغا نی

سرمایه ګذاری او د فیسو نو او جایدا دو ګټی

٢٦٤ ٤٠٨ ملیون افغانی

دځمکی او خار ویو ما لیات

١١٤ ١٦٨ ملیون افغانی

ما لیات بر عا یدات

١٨٨ ٤٠٦ ملیون افغا نی

د دولت پور له مرکزی بانك څخه چه (د دوم پلان په دریو ورو ستی کلو کی اخیستل شوی)

٢٦٧٠ ملیون افغا نی

پور تنی ارقام په ښه ډو ګه څر ګند وی چه تاجر دلال د دولت د داخلی عا یداتی منا بعو ستر برخه تشکیلوی (وار داتی محصو لات) او پخپله د دولت د تشبثاتو منابع رانجر برو ګرات او ملاك برو کرات دوهمه درجه ده . بر سیره پر دی پور تنی ارقام دا حقیقت څر ګندوی چه د دولت سر مایه ګذاری د انفلا سیون (اقتصادی حالت چه دپیسی ارزښت ښکته راځی او داجنا سو ار زښت پور ته) او د نر خو نو د جګوالی اسا سی علت دی چه دا پخپله د تاجر دلال د زښتی ګټی موجب ګرځی (باقیدارد)

اساس ارزش...

مطابق مقدارکارمصرف‌شده‌در کالاها باشد .

بنا براین مقدار کار مصرف‌شده دریك کالا اساس ارز ش مبادله آن کالا را میسازد .

بعبارت دیگر کاریکه دریك کا لا تجسم یافته یا مترا کم گردیده‌ارزش آن کا لا را بو جود می آورد . مبادله کالا ها طبق کاریکه‌درتولید آنها مصرف گردیده یك قانون‌تولید کالا است .

تعریف ارزش‌مبادله «که‌فوقاً شد» در مورد ارزش‌نیروی کار ، کارگران نیز صادق است .

میدانیم که انسان تنها زمانی توانایی کارکردن‌را دارد که بزندگی خود ادامه داده بتواند یعنی بخورد، لباس بپوشد ، سقفی بالای سرداشته باشد ، بعبارت دیگر احتیا جا ت حیاتی خودرا تامین کرده بتواند . تامین ضرور یات حیاتی کاگر برای ادامه فعالیت نیروی کار، کار گر لاز مست .

امادر نظام سرمایه داری کلیه اشیا ییکه رفع نیاز مند یهای انسان رامی نماینده‌مانندنان ، لباس‌ومسکن وغیره» کالا نامیده میشوند. درتولید تمام این اشیا یك مقدار معین کار ذخیره شده که‌در ارزش آنها تظاهر میکند .

بنا برین ارزش نیروی کاربحیث کالا مسا ویست به ارزش‌کالاهاییکه کار گر برای ادامه حیات وحفظ استعداد کار خود بان ضرورت‌دارد. بعبارت دیگر ، ارزش نیروی کار عبار تست از ارزش وسایل معیشتی که برای ادامه حیات صاحب نیروی کار لازمست بنا براین اساس ارزش مبادلوی یا ارزش هر کالا بشمول نیروی کار مقدار کار مصرف شده در تولید آن چیز است .

چند خبر .

خبر نګا ر ا ن ما ا زبلخ لوکردوپکتیاگزارش می‌دهند که د ر ولایات متذکره ایادی وعمال ار تجاع باتوسل به ار عاب و تهدید ازپخش وانتشار جریدهٔشعلهٔجا ویدجلوگیری بعمل می‌آرند ودر کابل نیز گرو هی اوباش منشا نه مو جبات اذیت فرو شند گان شعلهٔ جا وید رافراهم می آرند.

شعلهٔ جاوید از اینگونه رو شهای ناجوانمردانه و غیر انسانی وشانتاژ های میان تهی کو چکترین هرا سی ندارد و بااراده تزلزل ناپذیر در راهی که آکاهانه بر گزیده است‌گام خواهد برداشت.

• • •

روز یکشنبه هشت ثور عده‌یی از کار گران فابریکهٔ جنگلك دست به اعتصاب زده بودند.

براساس گزا رش خبر نگار ما خواست آنان افزایش معاش‌وکم‌شدن وقت‌کاربوده‌است.

• • •

یك پسر جوان هزاره که‌گرفتار مرض خانمانسوز جذام بوده چندروز پیش ازفرط بیماری، بیکا ری، بی سر پنا هی و فقر غذا یی د ست بخو د کشی زده و پیکر بیجان او در دو ده‌مست خواجه مسافر در میان در یا یا فته شده است .

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
داکتر ر حیم (محمو د ی)
آدرس حصه اول جاده میو ند
حساب در پښتنی تجارتی بانك
(٧٢٧٤)

حق‌الاشتراك
قیمت هر شماره د و افغانی
هر پنجشنبه نشر میشود

مرکز	١٠٠ افغانی
ولایات	١١٠ «
خارج	١٠ دالر

دولتی مطبعه